

عنوان مقاله:

وصف طبیعت در شعر منوچهری و شفیعی کدکنی

محل انتشار:

کنفرانس ملی ایده های نوین و پژوهش های کاربردی در علوم انسانی (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسندگان:

مریم شفیعی گیساوندانی - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

سیدحسین سیدترابی - استاد یار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

خلاصه مقاله:

فن وصفی از جمله مهم ترین اغراض شعری است که به عنصر خیال وابسته است. طبیعت همواره عنصری اصلی و جدایی ناپذیر از زندگی انسان است که با شعر و ادب خاستگاهی دیرینه دارد و همچنین در تبلور و زیباسازی شعر، نقش بسزایی ایفا می کند. زمانی که شاعر به وصف طبیعت می پردازد، تابلویی از زیبایی ها را به همراه جزئیات آن از منظره ای حقیقی یا تصویری از ذهن خود، برای مخاطب ترسیم می کند. با توجه به اهمیت وصف و حضور طبیعت در شعر و ادب فارسی، این پژوهش با هدف بررسی مقایسه ای توصیفات طبیعت در شعر منوچهری دامغانی (432 ه ق) و شفیعی کدکنی، به بررسی جایگاه و کارکرد برخی عناصر طبیعت در زبان، بیان و محتوای شعری آن ها پرداخته است. نتایج حاصل از بررسی ها نشان داد که رویکرد دو شاعر مذکور نسبت به طبیعت، متفاوت بوده و نحوه ی نگرش آن ها نسبت به این موضوع یکسان نیست. بررسی ها نشان می دهد که هر دو شاعر به فراخور اندیشه و نگاهی که به طبیعت دارند، با این مقوله برخورد کرده اند. منوچهری به طبیعت با دیدگاهی مبتنی بر اغتنام و خوش باشی به طبیعت و عناصر آن نگریده و بیشترین کارکرد طبیعت در شعر او برای نشان دادن جمال و زیبایی و همچنین مدح بکار رفته است، در صورتی که نگرش شفیعی کدکنی به عناصر طبیعت از جنبه های مختلف سیاسی، اجتماعی، انسانی بوده و بیشتر جنبه ی نمادی ندارد؛ به گونه ای که او از طبیعت به عنوان ابزاری در جهت بیان اندیشه های درونی خود بهره برده است.

کلمات کلیدی:

طبیعت، سبک خراسانی، منوچهری و شفیعی کدکنی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/999776>

